



## اقتصاد مسئله اول کشور است

غلامحسین کرباسچی، فعال سیاسی اصلاح طلب در گفت‌وگو با خبرنگاران در پاسخ به این سوال که «پزشکیان گفتمان اصلاح طلبی و اعتدال گرایی را نمایندگی کرده است؟» گفت: «این‌ها تعریف مشخصی ندارند. وقتی به عده‌ای از افراد افراطی نگاه می‌کنیم که به همه چیز و همه کس بدبین هستند، می‌گوییم اعتدال. یعنی به همه بدنگوییم. اصلاحات هم در مقابل همین چیزها است. تعریفی که ما از اصلاحات داریم به این ترتیب است که زمانی در دوم خرداد دوستان به دنبال این بودند که آزادی‌های اجتماعی و مداخله مردم در تصمیم‌گیری‌ها را پیش بگیرند. الان فکر می‌کنم همان گروه‌هایی که همان موقع این شعارها و این حرف‌ها را می‌زدند، وضعیت کشور را به گونه‌ای نمی‌بینند که روی آن مسائل سیاسی پیش بروند.» او ادامه داد: «دوست عزیز و گرامی و زجرکشیده ما در قبل از انقلاب و بعد از آن، آقای بهزاد نبوی، گفته بود که اولویت اکثریت مردم چیزی به جز مسائل اقتصادی نیست. اصلاحات باید در این زمینه صورت بگیرد البته نه مسائل اقتصادی که صرفاً به زندگی مردم مربوط است بلکه مسائل اقتصادی که به کل کشور ارتباط دارد. در حال حاضر مسائل اقتصادی ما که مرتبط با سیاست خارجی است بر روی سلامت و روان و عمر مردم اثر گذاشته است.» کرباسچی همچنین گفت: «مسائل اقتصادی روی محیط زیست کشور نیز اثر گذاشته است. الان همه کشور تقریباً دچار مشکل کم‌آبی است. در شهرهای بزرگ مشکل هوا و وضعیت زمین دارند. بسیاری از محیط‌های طبیعی ما از جنگل‌ها و مراتع از بین رفته‌اند. وضعیت اقتصادی به گونه‌ای است که روی این‌ها اثرات منفی می‌گذارد لذا اصلاحات نمی‌تواند الان منحصر به بحث‌های سیاسی باشد. آن‌ها بسیار مهم و ضروری هستند و برای اداره کشور راهی به جز رضایت سیاسی مردم وجود ندارد. ولی رضایت سیاسی مردم الان به مسائل اقتصادی گره خورده است.»

کرباسچی درباره اولویت داشتن اقتصاد بر مسائل دیگری مانند رفح حصر و فیلترینگ گفت: «اینترنت به زندگی اقتصادی مردم وصل است. ۴ میلیون شغل در این زمینه در حال کار هستند. آن‌ها هم گرفتاری دارند. بالاخره مردم به نحوی زندگی می‌کنند، یکی با حجاب و یکی بی حجاب. اینکه دائماً آن‌ها را تحت فشار قرار دهیم آن هم در این شرایط اقتصادی، این به مردم فشار وارد می‌کند و نارضایتی سیاسی ایجاد می‌کند و به نفع نظام نیست.» او ادامه داد: «به نظر مسئله اول کشور این است و مسائل دیگر به نوعی گره خورده به آن است. شاید اگر مردم در حالت رضایتی از مسائل اقتصادی خود باشند، معتقدم بسیاری از این چیزهایی که نامش را کم‌حجابی یا بی‌حجابی می‌گذاریم، در آن نوع نوبت ابراز نارضایتی سیاسی غلبه دارند. مردم سال‌های سال در این کشور زندگی کرده‌اند و این مسئله آنقدر برجسته نبوده است که چه کسی لباسش چطور است و چه کسی حجاب دارد. این که بخش عظیمی از مردم روی این مسئله حساس هستند به نظر نقطه اصلی و فاکتور اصلی این است که یک نارضایتی جدی از زندگی اقتصادی آنها وجود دارد که ممکن است این نارضایتی نسبت به شغل‌شان و سر کار که می‌روند و هزینه‌های زندگی‌شان باشد.» شهردار پیشین تهران گفت: «این مسئله هم به هر حال یک پنهان جدید می‌شود. اگر ما یک رضایت اقتصادی داشته باشیم و وضعیت اقتصادی مردم خوب باشد که ما این ظرفیت را در کشور داریم و می‌توانیم کاری کنیم که مردم بهتر زندگی کنند، به نظر در همه مسائل می‌شود با مردم به تفاهم رسید.»

او در بخش دیگری درباره حضور جوانان در عرصه‌های مدیریتی گفت: «بند زمانی که اول انقلاب استاندار اصفهان شدم با آن همه مشکلات جنگ و بمباران و این‌ها، فکر می‌کنم اواخر سال ۶۱ که تقریباً ۸ سال استاندار بودم ۲۹ سال سن داشتم. الان یک آدم ۴۵ ساله را زورمان می‌آید استاندار بگذاریم. آن هم کسی که در انقلاب بزرگ شده و تجربه دارد. وقتی شهردار تهران شدم، ۳۶-۳۷ ساله بودم. حالا دنبال پیرمردی بگردیم که ۶۰-۷۰ سالش باشد. این واقعاً ضایعه برای کشور است. اگر جوان‌ها سرکار بیایند اتفاقی برای کشور نمی‌افتد. سیستم‌های اداری ما جا افتاده‌اند لذا وزیر و معاون وزیر و استاندار ما نمی‌خواهند چیزی را از نو اختراع کنند. کافی است آدم سالم و توانمند باشند و بتوانند با مردم تعامل کنند.»



عکس: president.ir

## تقویت جریان میان‌ه

بررسی سیر تاریخی جریان‌های سیاسی چپ و راست و موقعیت دولت مسعود پزشکیان

ابوالفضل دلاوری استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی:

## سیاست وفاق در وضعیت بسیار شکننده‌ای قرار دارد

مانع بزرگی بر سر راه انسجام درونی هر یک از جناح‌ها، آشفتگی در جهت‌گیری‌ها و سیاست‌ها و ناهماهنگی در اقدامات و عملکرد هر یک از جناح‌ها بوده است.

۴- تغییر و تبدیل واکنشی گرایش‌ها و اولویت‌های هر یک از جناح‌ها در جریان منازعات سیاسی و تغییر جایگاه هر یک از جناح‌ها در ساختار قدرت و ملزومات بازتولید جایگاه و پایگاه اصلی اجتماعی آنها، به عبارت دیگر زبان و عمل سیاسی و اولویت‌های سیاستی هر یک از جناح‌ها بیش از آن که برآمده از یک رویکرد ایجابی و اهداف روشن و راهبردهای متناسب با آن باشد بیشتر واکنشی به موجودیت و موقعیت جناح رقیب، به منظور تخطئه و از میدان به‌دور کردن آن بوده است. در چنین شرایطی علاوه بر کم‌توجهی به مصالح ملی و خیر عمومی، شاهد عدول از اصول مورد ادعا و یا چرخش‌های شدید در گرایش‌ها و اولویت‌های آن‌ها بوده‌ایم. برای مثال در دوره اول ریاست جمهوری هاشمی و تسلط جناح موسوم به راست مدرن، جناح موسوم به راست سنتی که موقعیت سیاسی و منافع اقتصادی خود را در حال تضعیف و تهدید می‌دید، ناگهان مسائل فرهنگی را برجسته کرد و تحت عنوان خطر تضعیف فرهنگ مذهبی با بسیج بخش‌های سنتی و مذهبی درصدد متوقف کردن برنامه‌ها و سیاست‌های راست مدرن شد. هم‌زمان بخشی از جناح چپ اسلامگرا هم که از سال ۱۳۶۸ به بعد به حاشیه نظام رانده شده بود با قرار دادن توسعه سیاسی در مقابل توسعه اقتصادی درصدد برآمد تا با بسیج سیاسی طبقه متوسط جدید به مقابله با جناح راست مدرن برخیزد. این جناح که تا پیش از آن، مسئله عدالت اجتماعی و بازتوزیع اقتصادی را هويت و اولویت خود می‌دانست به صورت معناداری از آن هويت و اولویت فاصله گرفت. همچنین جناح محافظه‌کار که تا قبل از روی کار آمدن اصلاح‌طلبان در سال ۱۳۷۶ معمولاً با توسعه اقتصادی و همچنین سیاست‌های بازتوزیع سراسر سازگاری داشت در اوایل روی کار آمدن اصلاح‌طلبان و در واکنش به تأکید آن‌ها بر توسعه سیاسی ناگهان طرفدار توسعه اقتصادی شد و بر اولویت آن نسبت به توسعه سیاسی مانور می‌داد. همچنین زمانی که پایگاه خود را در میان طبقه متوسط شهری از دست‌رفته می‌دید، ناگهان به جانبداری از سیاست‌های بازتوزیع به سود طبقات پایین پرداخت. این جناح در سال ۱۳۸۳ که برنامه هدفمندسازی یارانه‌ها در قالب افزایش پلکانی قیمت حامل‌های انرژی در دستورکار اصلاح‌طلبان قرار گرفت، بلافاصله با تصویب فوری یک قانون در مجلس تحت کنترل خود، هرگونه افزایش قیمت را ممنوع ساخت. طرفه آن که همین مجلس دوسال بعد با همین سیاست در دولت بعدی که در دست محافظه‌کاران بود، موافقت و همراهی کرد. جابه‌جایی‌های مواضع و اولویت‌های جناح‌های رقیب فقط در سیاست داخلی نبوده بلکه در سیاست خارجی نیز بارها رخ داده است.

۵- بحران‌زایی جهت‌گیری‌ها، روندها و رویدادهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی در دوره ۴۵ ساله پس از انقلاب، نظیر سیاست صدور انقلاب، تقابل با غرب، جنگ ۸ ساله، سیاست‌های دفاعی و امنیتی، بی‌ثباتی‌ها و نوسانات اقتصاد سیاسی (در اثر ساختار رانتی و تک‌پایه اقتصاد ملی)، تحولات و نوسانات شرایط ژئوپلیتیک جهانی (نظیر اوج‌گیری جنگ سرد در دهه اول پس از انقلاب، پایان آن در دهه دوم و همچنین ظهور نوع جدیدی از آن در دو دهه اخیر)، ظهور

## خاستگاه و ویژگی‌های جناح‌های سیاسی در ایران پس از انقلاب چه بوده؟

منشأ اصلی سیاست جناحی در ایران به سرشت ائتلافی انقلاب و حضور طیف وسیعی از نیروها و گرایش‌های سیاسی و ایدئولوژیک در این انقلاب بود که از همان نخستین روزهای پس از سقوط رژیم پیشین موجب ظهور صف‌بندی‌های متعددی در میان فعالان و حامیان اولیه انقلاب بر سر نظام جایگزین، ترتیبات نهادی و جهت‌گیری‌ها و سیاست‌های داخلی و خارجی نظام جدید شد. تکوین و تداوم سیاست جناحی و عملکرد و آثار سیاست جناحی در ایران پس از انقلاب تحت تأثیر متغیرهای متعددی بوده که به نظر بنده مهمترین آن‌ها عبارتند از: ۱- سیالیت و شناور بودن «اسلام سیاسی» به عنوان کلان‌گفتمان انقلاب و جمهوری اسلامی که قابلیت تفسیرها و بازتفسیرهای متعدد و حتی متناقضی از لحاظ گرایش‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به آن می‌داده. این خصیصه گرچه در مرحله جنبش انقلابی امکان‌پذیر و دربرگیری و ائتلاف وسیعی به این گفتمان می‌داده اما در مرحله تبدیل به نظام سیاسی و ترتیبات نهادی و گزینش جهت‌گیری‌ها و سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی منشأ واگرایی‌ها و جناح‌بندی‌های بی‌پایان و وقوع منازعات بی‌پایان و مخرب میان آن‌ها بوده است. بنابراین امکان چندان برای انباشت تجربیات و دستاوردها نه‌فقط برای کل نظام سیاسی که همچنین برای هر یک از جناح‌ها باقی نمی‌گذاشته است.

۲- چندلایگی و تداخل ساختار قدرت سیاسی و ترتیبات نهادی که عملاً به استقرار و تداوم یک نظام دوبایه (هیبریدی) نهادهای انتصابی/انتخابی و... که فرایندها و پویایی‌های درون‌جوش سیاسی را کنترل و گاه متوقف و یا معکوس می‌کرده است. زیرا نیروها و نهادها مرتبط با لایه‌های انتصابی از دست بالا را در تعیین جهت‌گیری‌ها و سیاست‌های کلان داشته‌اند و همچنین از حق وتوی برنامه‌ها و سیاست‌های هر یک از جناح‌ها و به‌طور کلی کنترل فرایندها و پویایی‌های سیاست جناحی بر خوردار بوده‌اند. بنابر این نمی‌توان آثار و پیامدهای دوره تسلط هر یک از جناح‌ها را صرفاً به حساب عملکرد خود آن جناح‌ها گذاشت.

۳- سرشت طایفه‌ای و گعده‌ای سیاست جناحی که در آن، وابستگی‌های خانوادگی و روابط شخصی و گاه انگیزه‌های کسب مناصب، بر همسویی‌ها یا تفاوت‌های فکری و سیاسی معنادار در درون و میان جناح می‌چربیده است. در چنین شرایطی تفاوت چندان میان بینش فکری و گرایش سیاسی بسیاری از اعضای جناح‌های رقیب وجود نداشته و در عین حال هر یک از جناح‌ها را به طیفی رنگارنگ از گرایش‌های متفاوت و گاه متعارض تبدیل می‌کرده است. این موضوع

ابوالفضل دلاوری، استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی در گفت‌وگو با هم‌میهن درباره سیاست‌های جناحی در ایران پس از انقلاب و سیاست وفاق در دولت پزشکیان صحبت کرده است که در ادامه می‌خوانید.

## سیاست جناحی در ایران پس از انقلاب چه ویژگی‌ها و پیامدهایی داشته است؟

نخست لازم است سیاست جناحی تعریف شود و به سوابق آن اشاره شود. سیاست جناحی پدیده‌ای نسبتاً جدید است که به صورت رقابت دو یا چند گروه همبسته اما نه‌چندان متشکل در درون یک هیئت حاکمه و گاه در درون یک تشکل سیاسی جریان پیدا می‌کند. سیاست جناحی از نظر شکلی در میانه سیاست فردی و سیاست حزبی قرار می‌گیرد و از نظر محتوایی بسیار سیال و نامتعیین است و می‌تواند حول محور گرایش‌ها و جهت‌گیری‌های کلی در حوزه‌های مختلف داخلی و خارجی شکل بگیرد. این گرایش‌ها معمولاً با دوگانه‌ها یا سه‌گانه‌هایی چون محافظه‌کار / اصلاح‌طلب / رادیکال (انقلابی) و یا چپ / میانه / راست و... بیان می‌شود. سابقه سیاست جناحی در ایران به دوره مظفرالدین‌شاه و رقابت میان جناح محافظه‌کار (به رهبری امین‌السلطان) و جناح اصلاح‌طلب (به رهبری امین‌الدوله) بر می‌گردد که این رقابت توسط دربار و البته قدرت‌های خارجی ذینفوذ در آن دوره کم و بیش مدیریت می‌شد. نمونه‌های دیگری از این سیاست در برخی برهه‌های قبل از انقلاب از جمله یکی دو سال آخر سلطنت پهلوی دوم و در درون حزب رستاخیر دیده شد.

در سال‌های پس از انقلاب این الگوی سیاست و وضوح و استمرار بیشتری پیدا کرد. صرف‌نظر از سال‌های اولیه انقلاب که هنوز نهاد‌های سیاسی استقرار و استحکام چندان نیافته بودند، از نیمه اول دهه ۱۳۶۰ شاهد ظهور جناح‌بندی‌هایی نخصت در حزب حاکم (جمهوری اسلامی) و سپس دیگر تشکل‌های اسلامگرای درون حکومت بودیم. با انحلال این احزاب و تشکل‌ها در میانه آن دهه، این جناح‌بندی آشکارتر

شد و کارکردهای بیشتری پیدا کرد. جناح‌بندی آن زمان عمدتاً بر سر جهت‌گیری‌ها و سیاست‌های اقتصادی بود که جناح موسوم به چپ از مداخله شدید دولت در این سیاست‌ها در راستای بازتوزیع حمایت می‌کرد و جناح موسوم به راست از کاهش مداخله دولت و تقویت بازار آزاد. البته این اختلافات ابعاد آشکار و پنهان دیگری هم داشت که بعدها در شکل ظهور گرایش‌های فرعی و انشعابات سیاسی در درون هر یک از این دو جناح ظاهر شد. این روند کم و بیش تا امروز ادامه یافته است.

منصوره محمدی  
خبرنگار گروه سیاست

بعد از انقلاب قدرت جریان‌های چپ و راست در ایران با تکیه بر مذهب بود که تعریف‌پذیر می‌شد و امکان فعالیت پیدا می‌کرد. هر چند در زمان انقلاب ایران جریان چپ اسلامی قدرت بیشتری در فضای سیاسی داشت، اما به مرور جریان راست اسلامی نیز جایگاه خود را در عرصه سیاسی ایران پیدا کرد و در دهه‌های بعد این راست‌های اسلامی بودند که قدرت را با تحرکاتی که مهمترین آن‌ها در جریان برگزاری انتخابات‌های ادوار و خالص‌سازی روند حضور نمایندگان گروه‌ها و نهاد‌های مختلف روی داد از چپ‌ها گرفتند. محمدمهدی روشنفکر در مقاله‌ای با عنوان «گونه‌شناسی سیاسی، اقتصادی چپ و راست در ایران» شکل‌گیری چپ و راست اسلامی را اینگونه تعریف می‌کند: «در دوره مجلس سوم به زایش انشعابی در جامعه روحانیت مبارز انجامید و دوگانه سیاسی حزب جمهوری اسلامی - سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در قالب دوگانه جامعه روحانیت مبارز - و مجمع روحانیون مبارز و در قامت هموردی چپ و راست سیاسی درون حاکمیت جلوه گر شد» اما آنچه که به بن‌بست سیاسی آن‌ها در ایران دامن زد، باید عدم انطباق‌پذیری با خواست جامعه و تقابل آن‌ها با همدیگر دانست، به گونه‌ای که روشنفکر در مقاله خود ریشه تشکیل راست اسلامی را در قالب یک جناح سیاسی زمانی می‌داند که میرحسین موسوی نخست‌وزیر کشور شد و سیاست‌های چپ‌گرایانه او در امر اقتصاد و دولتی کردن اقتصاد، سبب شد عده‌ای در مجلس دوم به مخالفت با او برخیزند و این آغازی بود بر فعالیت راست اسلامی در ایران. میرحسین موسوی سیاست اقتصادی خود را تماماً بر جریان